

بنام خداوند جان و خرد

داستان‌های شاهنامه

هفت جان درستم

(خان یکم و دوم)

رباب آزادی - محمدرضا گلان





سرشناسه	: کلان، محمدرضا، ۱۳۳۸ -، اقتباس‌کننده
عنوان قراردادی	: شاهنامه هفت‌خان رستم شاهنامه برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	: داستان‌های شاهنامه : هفت‌خان رستم (خان اول) / نویسندگان محمدرضا کلان، رباب آزادی.
مشخصات نشر	: یزد : توز و قلم، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۵۳-۷۱-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر اقتباسی از داستان هفت‌خان رستم از شاهنامه فردوسی است.
عنوان دیگر	: هفت‌خان رستم (خوان اول).
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه. هفت‌خان رستم -- اقتباس‌ها
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- اقتباس‌ها
موضوع	: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Adaptations
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian fiction -- 20th century
موضوع	: داستان‌های حماسی فارسی
موضوع	: Epic stories, Persian
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۴
موضوع	: Persian poetry -- 10th century
شناسه افزوده	: آزادی، رباب، ۱۳۴۸ -، اقتباس‌کننده
شناسه افزوده	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه. برگزیده
شناسه افزوده	: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Selections
رده بندی کنگره	: PIR/۳۵۸/۲۵۲۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۳/۸۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۹۹۷۶۷۹

هفت‌خان رستم - خان یکم و دوم

- ❖ نویسندگان: رباب آزادی - محمدرضا کلان
- ❖ ناشر: انتشارات توز و قلم
- ❖ ویرایش ادبی: مهندس سیروس حاجی
- ❖ طراحی جلد: کیهان ترن
- ❖ آماده سازی و امور فنی: گروه توز و قلم
- ❖ نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶
- ❖ چاپ: چاپ قلم
- ❖ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
- ❖ قیمت: ۸۰۰۰ تومان
- ❖ همراه با CD ۱۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: یزد - خیابان مطهری - ۸ متری حافظ - حافظ ۳ - پلاک ۶

تلفن: ۳۵۲۲۰۰۷ - فاکس: ۳۵۲۲۰۰۸

پیش در آمد داستان

یک روز کاووس پادشاه ایران با چند تن از پهلوانان در مجلسی به خوردن و نوشیدن مشغول بودند، دیوی به شکل نوازنده اجازه می‌خواهد نزد پادشاه برود. شاه او را می‌پذیرد. نوازنده در مجلس میهمانی شاه از سرسبزی و زیبایی سرزمینی به نام مازندران سخن می‌گوید و با نواختن ساز دربار مازندران شعر می‌خواند.

شاه شیفته گلزارهای همیشه بهار مازندران می‌شود و تصمیم می‌گیرد راهی دور تا مازندران را بییماید و سفری پر خطر را به سپاهیان و بهارنار ایران تحمیل می‌کند. مخالفت درباریان و مشاوران و حتی رستم، کاووس شاه را از سفر باز نمی‌دارد. او با سپاهی بزرگ و مجهز به سمت مازندران حرکت می‌کند و با یاری و پیشاهنگی گیو (پهلوان ایران) وارد شهر می‌شود. آن شهر را به محاصره خود در می‌آورد. شاه مازندران دیو سپید کمک می‌خواهد. دیو سپید شب هنگام با جادو ابری سیاه بر سر سپاهیان ایران پدید می‌آورد و آنها را افسون می‌کند. گروهی از ایرانیان کشته می‌شوند و گروهی به سوی ایران فرار می‌کنند. شاه و پهلوانان و ایرانیانی که زنده ماندند، نابینا و اسیر دیو سپید می‌شوند.

هنگامی که خبر اسارت شاه و همراهانش به ایران می‌رسد، زال رستم را مامور نجات شاه می‌کند و او را به سوی مازندران روانه می‌کند. زال رستم را راهنمایی می‌کند تا از راهی کوتاه تر اما دشوار برود تا هر چه زودتر خود را به کاووس برساند...